



رنالیسم سوسیالیستی در دو رمان همسایه ها و داستان یک شهر احمد محمود

پروین زینالی (نویسنده مسئول)^۱

دانشجوی دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۸

چکیده

رنالیسم به عنوان یکی از مکاتب نقد ادبی در جهان است که از زمان های کهن فکر بشر رابه خود مشغول کرده است. پردازش به این فکر با ارسطو در زمان باستان، شروع شد و تا کنون، این اندیشه با فراز و فرودهایی تداوم دارد. در دوره ی معاصر و در سده ی نوزدهم ابتدا در فرانسه و سپس در سایر کشورها مکتب و جنبشی ایجاد شد که به دنبال تثبیت اصول و مبانی رنالیسم بود. رنالیسم سوسیالیستی یکی از مولفه های این مکتب است که در ایران بعد از نهضت مشروطه، کانون توجه قرار گرفت و پایه ی شکل گیری آثاری از جمله ادبیات داستانی با مضمون اجتماعی و سیاسی شد. **احمد محمود** یکی از نویسندگان برجسته ی

^۱ parvin.zeinali@yahoo.com

رنالیسم سوسیالیستی در ایران است که در حیطه ی ادبیات داستانی ، همواره سعی داشت انگیزه های بیرونی و درونی شخصیت های داستان را در عرصه ی زندگی فردی و اجتماعی به تصویر کشد . نوشتار حاضر می خواهد دو مورد از رمان های احمد محمود با عناوین **همسایه ها و داستان یک شهر** را بر اساس رنالیسم سوسیالیستی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و موافقت الگوی ساختاری رنالیسم سوسیالیستی را با رمان های **احمد محمود** نشان دهد .

کلید واژه : رنالیسم ، رنالیسم سوسیالیستی ، احمد محمود ، همسایه ها ، داستان یک شهر

۱- مقدمه

آثار ادبی در هر شکلی که باشند کم و بیش واقعیت هایی از اجتماع زمان خود و همچنین شخصیت نویسنده را بیان می کنند. با تأمل در آثار ادبی دریافت میشود که فرهنگ و اوضاع و احوال جامعه بر روی این آثار تأثیری بسیار داشته است . « آثار ادبی مدارک اجتماعی و تصایری از واقعیات اجتماعی است و شکی نیست که نوع تصویر اجتماع را می توان از ادبیات به دست آورد » (رنه ولک و آوستین وارن ، ۱۳۷۳: ۱۱۰) . در میان تمام آثار ادبی رمان به عنوان یک نوع ادبی توسط انسان معاصر به صورت رایج ترین و عالی ترین شکل بیان هنری مسائل و مشکلات او درآمده است .

« رنالیسم^۱ یا واقع گرایی مکتبی است که در اواسط قرن ۱۹ میلادی همپای پیشرفت های علمی در فرانسه ظهور کرد و به دیگر کشورها راه یافت . رمانتیسیم فرانسه^۲ با " نبوغ مسیحیت شاتو بریان " آغاز شد و رنالیسم با اثر انتقادی " تاریخ منابع مسیحیت " اثر رنان « ثروت ، ۱۳۸۵: ۱۱۳) . از نظر رنالیست ها انسان موجودی اجتماعی و پرورده محیط است . و به همین دلیل شخصیت های رنالیستی مردم عادی اند و معمولاً تیپ خاصی از جامعه را با استفاده از زمینه سازی های مورد نظر ، نشان می دهند . یکی از شاخه های فرعی رنالیسم ، رنالیسم سوسیالیستی^۳ است که در سال ۱۹۳۲ در روسیه و سایر کشورهای سوسیالیستی رواج یافت .

در این مکتب هنر در خدمت ارتقای جامعه ی سوسیالیستی است و تکیه به جای فرد بر گروه و عنصر کار است. امروزه میتوان آثار بسیاری در میان نویسندگان جهان سراغ گرفت که بازتاب دهنده ی سیمای مردم سرزمین های مختلف است.

احمد محمود (احمد / عطا) در کشور ما از جمله این نویسندگان است که بستر و خاستگاه بسیاری از آثار وی جنوب ایران است. «او از نویسندگان برجسته ایران است که در خلق داستان کوتاه و رمان آثاری درخشان دارد. آثار وی حاصل زندگی تجربه ی او در روند سیر تحولات اجتماعی و سیاسی ایران معاصر است. شخصیت پردازی استادانه، دقت در توصیف ریزه کاری های داستان و رمان، پرهیز از دراز گویی و دل مشغولی دایمی او با سیاست و زندان و شکنجه و فقر و نابرابری اقتصادی و اجتماعی از ویژگی های آثار اوست» (شریفی، ۱۳۸۶: ۹۲). او پیشگام رمان نویسی اقلیمی جنوب ایران بوده که از وی ۵ رمان مهم بر جای مانده است. احمد محمود به عنوان نویسنده ای رئالیست، پله پله مراحل رشد و تکامل را پیموده و سرانجام به سبک و اسلوب شخصی خود دست یافته است. چند نکته ی مهم در داستان های او وجود دارد: یکی شیوه رئالیسم اجتماعی آثار اوست، دیگری هویت بومی و اقلیمی آثارش و سوم محوریت مضامین سیاسی و اجتماعی زمان نویسنده و البته این هر سه شاخصه در خدمت هدف او قرار گرفتند. انتشار رمان **همسایه ها** او را به عنوان یکی از نویسندگان پیرو رئالیسم سوسیالیستی معرفی کرده و **داستان یک شهر** دومین رمان محمود و از جمله آثار ارزشمند او است.

۲- عوامل شکل گیری و ویژگی های مکتب رئالیسم

رئالیسم نمایان گر تجربیات واقعی انسان ها در زمان و مکان معین است. تعریف رئالیسم نمایاندن واقعیت های زندگی است، واقعیت های روابط روزمره زندگی انسان در جامعه و روابط اجتماعی بین افراد و جامعه. «رئالیسم به معنی واقع گرایی، از ریشه real به معنی واقعی

و حقیقی است که این واژه نیز از ریشه ی res به معنی "چیز" است و بر ساخته ای از آن را نیز به صورت شیزیسیم یا چیزگرایی به کار برده اند»

(گرات، ۱۳۷۹: ۵۶). در ادبیات سبک رئالیسم در مقابل سبک ایده آلیسم^۴ است. رئالیسم در ادبیات به هر گونه نوشتار یا گفتاری اطلاق می شود که بر پایه ی واقعیات در جامعه باشد در صورتی که ایده آلیسم سبکی بر مبنای تخیلات شاعر یا نویسنده است. «واقع گرایی در عرصه هنر و ادب به دو معنای عام و خاص به کار رفته است. به معنای عام کلمه، بر هر گونه هنر و ادب وفادار به واقعیت را، واقع گرایی می گویند. واقع گرایی به معنای خاص کلمه، مکتبی است که بعد از رمانتیسم در اواسط قرن نوزدهم در فرانسه به وجود آمد و از آن جا به دیگر کشورها راه یافت» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۶۲).

نویسنده رئالیسم جامعه را با همه ویژگی های واقعی خود چه خوب و چه بد تشریح می کند و به پژوهش و تحلیل محیط اجتماعی توجه زیادی دارد و سرنوشت شخصیت ها، نتیجه نحوه برخورد آن ها با حوادث و زاییده ی تضادهای درونی و اجتماعی است. «بنابراین، نویسنده رئالیست زندگی طبقات استثمارگر را همواره توأم با زندگی طبقات استثمار شده در نظر می آورد و هرگز نمی تواند محرومیت های یکی را با اقتدار و تجمل دیگری روبرو بیند» (پرهام، ۱۳۵۳: ۳۴).

«رئالیسم، راه خود را از عرصه ی زندگی روزانه آغاز کرد. ترسیم زندگی اجتماعی را میتوان در فکاهیات، داستان های کوتاه طنز آمیز و موزون و بعدها در داستان های عیاران که از بطن خروشان طغیان های توده ای، شورش های دهقانی و جنگ های خونین مذهبی در سده های شانزدهم و هفدهم سر برون آورده بود، مشاهده گردید. لیکن این، نه رئالیسم به معنای دقیق بلکه پیش درآمدی بر رئالیسم بود» (ساجکوف، ۱۳۶۲: ۱۳).

نویسنده رئالیسم عادات و خصوصیات اخلاقی مردم و اجتماع را آنگونه که مشاهده می کند و می بیند بیان می کند و از هیجان و تخیلات به دور است، به ساختارهای اجتماعی بیش از فرد توجه دارد، به متن زندگی می پردازد و رنج های اجتماعی را ترسیم می کند.

نویسنده رئالیست، زندگی را عموماً و حوادث و صفات بشری را خصوصاً به مثابه‌ی سیر تکاملی در نظر می‌گیرد، نه به منزله سلسله‌ای از پدیده‌های مجزا که با یکدیگر و شرایط تاریخی ارتباطی ندارد. در چشم او تضاد و همبستگی، عوامل سازنده حیات اجتماعی است. اگر نویسنده‌ای تصویر واقعی و تحریف نشده‌ای از طبقات بالا به خواننده عرضه دارد، بی‌آنکه تضاد و مناسبات فی‌ما بین طبقات پایین و بالا را به حساب آورد، تصویر او منعکس‌کننده‌ی واقعیت نیست و بنابراین رئالیستی نخواهد بود» (پرهام، ۱۳۵۳: ۳۳).

«رنالیسم بیان واقعی زندگی و واقعیت است، ولی نه زندگی و نه واقعیت هیچ یک ساده و یک دست نیست. زندگی پدیده بغرنج و تو در تویی است که به وسیله عوامل محرکه‌ی گوناگون و ناپیدایی که شرایط معینی به وجود می‌آیند، رشد می‌کنند و می‌میرند، زیر سازی شده است. واقعیت از آنچه (وجود دارد) و (دیده می‌شود) بسیار پیچیده تر و عمیق تر است. بنابراین رئالیسم تصویر عکس برگردان آنچه هست و دیده می‌شود نتواند بود» (پرهام، ۱۳۵۹: ۲۹).

«نویسنده‌ی واقع‌گرا در پی آفریدن تصویری است که به واسطه‌ی شباهت زیادش با ادراک عادی ما از زندگی، مجذوب‌کننده است. نویسنده تصویری ظریف و عمیق خلق میکند و با ترفندهای روان‌شناختی مجاب‌کننده‌ای، انگیزه‌های گوناگونی را که منشأ حرکات و سکنات شخصیت هاست به خواننده نشان می‌دهد و این امر با تصویری پذیرفتنی از جامعه‌ای که شخصیت‌ها در آن زندگی می‌کنند، همراه است» (پک، ۱۳۸۰: ۲۰).

«رنالیسم به عنوان مکتب ادبی، پیش از هر جای دیگر، در فرانسه به میان آمد، اما پایه‌گذاران مکتب ادبی رئالیسم نویسندگان بزرگی که امروزه ما می‌شناسیم نبودند، بلکه نویسندگان متوسطی بودند که اکنون چندان شهرتی ندارند. این نویسندگان عبارت بودند از شانفلوری^۵ Chanpfleury، مورژه^۶ Murger و دورانتی^۷ Duranty. نام رئالیسم و قواعد مکتب آن را نخست "شانفلوری" در اولین نوشته‌های خود به تاریخ ۱۸۴۳ به میان آورد. در "مانیفیست رئالیسم" چنین نوشت: عنوان "رنالیست" به من نسبت داده می‌شود،

همانطور که عنوان "رومانتیک" را به نویسندگان و شاعران سال ۱۸۳۰ اطلاق می کنند» (سیدحسینی، ۱۳۸۴: ۲۷۳).

رنالیسم مکتبی است عینی و نویسنده رنالیست در جریان داستان مداخله نمی کند و خود بیشتر تماشاگر است. او قهرمان داستان خود را از میان مردم عادی و طبقه معمول جامعه انتخاب می کند که فردی مشخص و غیرعادی نیست و این فرد در عین حال نماینده ی هم نوعان خویش و وابسته به اجتماعی است که در آن زندگی می کند. رنالیسم به عنوان شیوه ای خلاق، پدیده ای است تاریخی که در مرحله ی معینی از تکامل فکری بشر، زمانی که انسان ها نیاز مبرمی به شناخت ماهیت و محبت تکامل اجتماعی پیدا کردند، زمانی که مردم، نخست به طور مبهم و سپس آگاهانه، دریافتند که اعمال و افکار انسان از هیجان های سرکش یا نقشه ی الهی ناشی نمی شود بلکه از علت های واقعی، یا به بیان دقیق تر، از علت های مادی سرچشمه می گیرد، به ظهور رسید. شیوه ی رنالیستی در هنر و ادبیات، زمانی به ظهور رسید که افراد جامعه با وظیفه شناخت آن نیروهای ناشناخته ای مواجه شدند که عملکرد مکانیسم روابط اجتماعی را تبیین می کنند» (ساجکوف، ۱۳۶۲: ۱۲). «مهم ترین خصوصیات ادبیات رنالیستی، توصیف انسان بصورت موجود اجتماعی است. به گفته دیگر، ریشه ی رفتار آدمی را در شرایط اجتماعی زمان می جوید. این سبک صفات "نیک" و "بد" را پدیده های طبیعی و ذاتی انسان نمی پندارد، بلکه آن ها را محصول جامعه می شمرد. رنالیست کسی است که روابط میان افراد را از یک طرف، و افکار و امیدها و خیالات واهی و نومیدی ها و زبونی های آن را از طرف دیگر، معلول علل معین اجتماعی بداند که در محیط معینی بوجود می آید و تحت شرایط معینی نابود می شود» (پرهام، ۱۳۵۳: ۳۶). «ادبیات رنالیستی طبعاً موضوع خود را جامعه معاصر و ساخت و مسائل آن قرار می دهد: یعنی چنین جامعه ای وجود دارد و اثر ادبی را مجبور می سازد که به بیان و تحلیل آن بپردازد. ادبیات رومانیک ادبیات اشرافی و فردی بود، خوانندگان ثابت و مشخصی نداشت. اما در اواسط قرن نوزدهم جامعه ی هم رنگی متشکل شد. بورژوازی به طور قاطع جای

اشرافیت را گرفت و اداره ی نهضت صنعتی را به دست گرفت و هم این طبقه بود که کتاب می خرید و می خواند و موفقیت نمایشنامه ها را در تئاترها تضمین می کرد. دنیای معاصر زمینه ی آثار ادبی بود، اما طبعاً این آثار به لو دادن نقاط ضعف همین جامعه می پرداخت و ارزش های جا افتاده آن را به باد انتقاد می گرفت» (سیدحسینی، ۱۳۸۴: ۲۸۰).

۳- مشخصه های رنالیسم سوسیالیستی

رنالیسم سوسیالیستی یا همان واقع گرایی اجتماعی، شاخه ای از رنالیسم است که اولین بار در ادبیات شوروی سابق ظهور کرد و هدف آن توجه بیشتر به طبقه ی فرودست جامعه و تسریع آگاهی اجتماعی طبقه ی کارگر در مقابل بحران های سرمایه داری است، نخستین بار ماکسیم گورگی، بواخارین و ژاندنف طرح آن را پیش نهادند.

«رنالیسم سوسیالیستی در سال ۱۹۳۴ از طرف کمیته ی مرکزی حزب کمونیست، آموزه ی رسمی سندیکاها ی هنرمندان و نویسندگان شد و خلق هر اثر هنری می بایست در جهت اهداف آن حزب صورت می گرفت. در رنالیسم سوسیالیستی، یک اثر هنری باید چشم اندازی که ارائه می دهد ترقی خواهانه باشد و در سیمای زمان حال به تحولات آینده نظر اندازد و مفهومی از بهترین تحولات اجتماعی ممکن را از دیدگاه طبقه کارگر عرضه نماید» (سلدن و ویدوسون، ۱۳۷۷: ۹۹).

در رنالیسم سوسیالیستی واقعیتهای که عرضه می شود دارای اهداف سیاسی برای به وجود آوردن جامعه ای بدون طبقات اجتماعی می باشد و از این رو رنالیسم سوسیالیستی نه تنها در آشکار ساختن واقعیت چندان موفق عمل نمی کند بلکه در همراهی و همبستگی با ایدئولوژی حاکم، گاه واقعیت را به گونه ای تحریف شده ارائه می دهد.

در نظر لوکاج «رنالیسم سوسیالیستی، که رنالیسم سترگ راستین می نامدش، انسان و جامعه را در تمامیت پویا و عینی شان به نمایش می گذارد. رنالیسم مستلزم انعطاف پذیری، ترسیم همه جانبه شخصیت ها، زندگی مستقل انسان ها و روابط آنان با یکدیگر است و

همین ترسیم هنری تامّ و تمام انسان جامع را مسئله زیبا شناختی محوری رئالیسم سوسیالیستی می داند» (لوکاج، ۱۳۷۳: ۱۵-۱۴).

از رمان های مشهور در این زمینه می توان به شکست فادیف، دن آرام شولوخوف، سیلاب آهن سرافیمویچ و مادر گورکی اشاره کرد.

۴- رئالیسم سوسیالیستی در ادبیات داستانی ایران

رئالیسم سوسیالیستی از جریان های ادبی در اروپا محسوب می شود که از راه ترجمه، به ادبیات دیگر کشورها به مقتضای جامعه راه یافته است. ایران به واسطه ی سیر تحولات انقلابی که در اجتماع آن رخ داده است از طریق ترجمه با جریان رئالیسم آشنایی یافت. حمله ی ارتش های شوروی و انگلیس به ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ موجب کناره گیری رضا شاه از سلطنت و فرو ریختن دیکتاتوری او گردید. در پی این واقعه، نظام مشروطه ی پارلمانی در ایران احیاء شد؛ مطبوعات از بند سانسور آزاد گردیدند؛ بازمانده ی سیاستمداران عصر مشروطه از تبعید و انزوا و فعالان سیاسی جوان تر از زندان رهایی یافتند و با انتشار روزنامه، تشکیل احزاب سیاسی، اتحادیه های کارگری، تشکل های صنفی و ... فعالیت خود را به منظور تحکیم نظام مشروطه ی پارلمانی و اجرای اصلاحات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آغاز کردند. «حزب توده پس از کناره گیری رضاشاه، و آزادی زندانیان سیاسی "کم خطر" شکل گرفت» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۴۶). علاوه بر عرصه ی سیاسی، فروپاشی دیکتاتوری رضا شاه، موجب تسریع رشد ادبیات و هنر مدرن در ایران شد. به طوری که برای اولین بار در ایران مبانی نظری و اصول برخی از مکتب های ادبی و هنری مدرن یا جانب داری طبقاتی، یعنی واقع گرایی انتقادی^۷ و رئالیسم سوسیالیستی مطرح و تبلیغ شد.

در سال های ۱۳۳۲-۱۳۳۰ حزب توده ی ایران نه تنها نقش و تأثیر جدی در وقایع و روند سیاسی و اجتماعی داشت بلکه با فراهم کردن امکان انتشار و معرفی آثار ادبی مدرن (شعر نو، داستان کوتاه و رمان) و از طریق تبلیغ و ترویج واقع گرایی انتقادی و رئالیسم

سوسیالیستی، تأثیر عمیقی بر روند رشد و گسترش ادبیات مدرن و درک ادبی و هنری در ایران گذاشت. نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران که در سال ۱۳۲۵ شکل می‌گیرد مستقیم یا غیرمستقیم، رنالیسم سوسیالیستی را به عنوان خط مشی آینده ادبیات ایران توصیه می‌کند. بزرگ علوی^۸، احسان طبری و محمود اعتمادزاده^۹ (به آذین) از فعال‌ترین اعضای حزب توده و فاطمه سیاح دانش آموخته‌ی دانشگاه مسکو، از مبلغان و پایه‌گذاران رنالیسم سوسیالیستی در ایران بودند. زیبایی‌شناسی رنالیسم سوسیالیستی موضوع محوری نخستین همایش‌های نویسندگان بود که در تیر ماه ۱۳۲۵ به همت انجمن فرهنگی ایران و شوروی در تهران برگزار شد. در این گردهمایی، سیاح

«وظیفه اساسی» نویسندگان را بسط «رنالیسم واقعی» یعنی همان رنالیسم سوسیالیستی دانست. او رنالیسم را «تمام ماهیت ادبیات کنونی و سبک‌شناسی آن و سبک کلیه جریان‌های مترقی» و رنالیسم سوسیالیستی روسیه را در مرحله نوین تکامل یافته رنالیسم سده‌ی نوزدهم اروپا» و «مترقی‌ترین ادبیات معاصر» دنیا خواند. (سیاح، ۱۳۸۳:۳۶۷)

سیاح با توصیه رنالیسم سوسیالیستی به عنوان خط مشی آینده ادبیات، ضمن سخنان خود بیان می‌کند که: «رنالیسم سوسیالیستی مرحله نوین تکامل رنالیسم سده نوزدهم اروپاست که در آثار نوابغ ادبیات جهان مانند گوته، بالزاک، فلوبر، دیکنز، تولستوی، داستایوفسکی و دیگران به طرز خیره‌کننده‌ای تظاهر کرده است» (مخبر، ۱۳۷۷:۱۱۵).

«ادبیات انواع زیادی دارد اما رمان، مهمترین ژانری است که از جامعه تأثیر می‌گیرد. به ویژه رمانهایی که در گونه رنالیسم اجتماعی به نگارش درآمده‌اند» (زافا، ۱۳۸۶: ۹) از جمله نویسندگان حوزه رنالیسم سوسیالیستی می‌توان به جلال آل‌احمد، بزرگ علوی، صادق هدایت، محمود دولت‌آبادی، احمد محمود، علی محمد افغانی و علی اشرف درویشان اشاره کرد.

احمد محمود از داستان‌نویسان منتقد اجتماع در ادبیات معاصر است. در تألیفات او اعم از رمان و داستان کوتاه، خصایصی وجود دارد که باعث شده ناقدان او را از نویسندگان

حوزه ی رئالیسم اجتماعی بدانند و در آثار او به وضوح ، مؤلفه های اجتماع ، و رئالیسم سوسیالیستی را در محتوا و ساختار آن می توان مشاهده کرد .

احمد محمود را به عنوان نماینده ی رئالیسم اجتماعی ادبیات داستانی معاصر می شناسند . وی به دلیل داشتن مشاغل آزاد گوناگون در همه ی عرصه ها ، بیشتر در جامعه حضور داشته و شاهد مشکلات و درد و رنج ها و مصائب زندگی مردمان جامعه اش از نزدیک بوده است . وی به دلیل داشتن پرونده ی سیاسی ، هیچ گاه دارای شغل و منصب دولتی نبوده است و همواره سروکارش با طبقه ی عامه و فرودست جامعه بوده است ، همین شناخت باعث می شود که در داستان هایش از این جنس مردم صحبت کند و وضعیت اجتماعی و اقتصادی این تپ را برای خواننده به نمایش بگذارد .

۵- احمد محمود

۵-۱ مروری بر زندگی احمد محمود

احمد محمود (اعطا) ؛ در چهارم دی ماه ۱۳۱۰ از پدر و مادر دزفولی در اهواز به دنیا آمد . دوران کودکی و خردسالی خود را در خوزستان گذراند . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اهواز به اتمام رسانید . دوران زندگی محمود مقارن بود با سالها و دهه های سرنوشت ساز و پرحادثه ی کشور . او به برکت زندگی در جنوب کشور در قلب حوادث بزرگی همچون اشغال کشور توسط انگلیسی ها ، جریان ملی کردن صنعت نفت و ... قرار گرفت . به دلیل جو غالب کشور ، او مدتی درگیر فعالیتهای سیاسی شد و وی به دلیل فعالیت شدید سیاسی در بحران ناشی از ملی شدن صنعت نفت از تحصیلات در دانشگاه بازماند و چند سال در حبس و تبعید به سر برد . او پس از آزادی از زندان وارد دانشکده افسری شد ، اما از جمله تعداد زیاد دانشجویان دانشکده ی افسری بود که پس از کودتای ننگین ۱۸ مرداد ماه سال ۱۳۳۲ بازداشت شد . وی پس از آزادی با تمام اشتیاقی که برای ادامه ی تحصیل داشت ، موفق به انجام این نشد .

محمود از نظر شغلی زندگی ثابتی نداشت. پس از رهایی از تبعید به خاطر نداشتن صلاحیت اجتماعی از نظر حاکمیت (ناشی از فعالیت سیاسی و تبعید های او)، از استخدام در هر اداره دولتی منع می شود. بنابراین به مشاغل آزاد و بازار روی آورد و در نهایت پس از اعاده حیثیت اجتماعی، قائم مقام مدیر عامل شش کارخانه تولید لباس کارگران شد. وی پس از پیروزی انقلاب، برای درمان و همچنین برای اینکه با آزادی بیشتری به نوشتن بپردازد، خود را بازنشست کرد. حاصل این امر رمان سه جلدی **مدار صفر درجه** و رمان **درخت انجیر معابد** بود. محمود در مهرماه ۱۳۸۱ بر اثر بیماری چشم از جهان فرو بست. (به تلخیص از کتاب دیدار با احمد محمود اثر سارک و بابک محمود، ۱۳۸۴)

۵-۲ آثار احمد محمود

آثار وی همگی شامل رمان و داستان کوتاه است. محمود تنها به نگارش رمان و داستان پرداخته و او را به عنوان روایت گر تاریخ اجتماعی معاصر از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه تا انقلاب اسلامی می شناسیم. مضمون به بیان دیگر محمود روایت داستانی این تاریخ را انجام می دهد. داستان های وی از جمله موفق ترین آثار داستانی به شمار می روند. علاوه بر این یک ترجمه به نام **آدم زنده** و فیلمنامه ای با عنوان **دو فیلمنامه** از او به جا مانده است. شماری از داستان های او به زبان فرانسه، انگلیسی، روسی و ارمنی ترجمه شده است. از جمله رمان **همسایه ها** به زبان روسی و داستان **بازگشت** از مجموعه ی دیدار که به صورت کتابی مستقل به آلمانی برگردانده شد.

تعدادی از آثار موفق او نیز جوایز ادبی دریافت کرده اند:

- ۱- جایزه ادبی مهرگان در سال ۱۳۸۰ برای مجموعه ی آثار.
- ۲- جایزه ادبی هوشنگ گلشیری در سال ۱۳۸۰ برای رمان **درخت انجیر معابد** که به عنوان بهترین رمان سال ۱۳۷۹ انتخاب شد.
- ۳- جایزه ادبی گردون در سال ۱۳۷۲ از هیئت نویسندگان خوزستان.

داستان های محمود نیز به دو بخش تقسیم میشود: رمان، داستان کوتاه.

رمان ها آثار زیر را در بر می گیرد:

- ۱- همسایه ها (۱۳۵۳) ۲- داستان یک شهر (۱۳۶۰) ۳- زمین سوخته (۱۳۶۰) ۴-
- مدار صفر درجه (۱۳۷۲) ۵- درخت انجیر معابد (۱۳۷۹) ۶- مرد خاکستری و رنج امید

داستان کوتاه:

تعدادی از این داستان ها در چندین اثر محمود تکرار شده است. این داستان غالباً در محیطی بومی اتفاق می افتد و حول یک شخصیت اصلی می چرخد و یا تفکرات او را بیان می کند و گاهی به دور از هرگونه تحریک و جنبشی است.

- ۱- مول (۱۳۳۹) ۲- دریا هنوز آرام است (۱۳۴۰) ۳- بیهودگی (۱۳۴۱) ۴- زائری
- زیر باران (۱۳۴۸) ۵- پسرک بومی (۱۳۵۰) ۶- غریبه ها (۱۳۵۰) ۷- قصه ی آشنا
- (۱۳۷۰) ۸- از مسافر تا تب خال (۱۳۷۱) ۹- دیدار

۶- خلاصه ی رمان همسایه ها

خالد نوجوان پانزده ساله ای است که همراه پدر و مادر و خواهرش در خانه ای اجاره ای که مستاجرهای زیادی دارد زندگی می کند. او در فضایی آکنده از فقر، فساد، خرافه، بیکاری و بیماری دوران کودکی را پشت سر می گذارد و به مرحله بلوغ گام می نهد. پدر خالد که نمی تواند با چله نشینی و خواندن کتاب "اسرار قاسمی" گره کور بیکاری خود را بگشاید، خانواده را به خالد می سپارد و برای کار به کویت می رود. خالد در قهوه خانه ی امان آقا شروع به کار می کند و به تدریج با فضای سیاسی و اجتماعی حاکم آشنا می شود. ابراهیم، پسر رحیم خرکچی، شیشه خانه غلامعلی خان را که زن های متعدد را به خانه می آورد می شکند و خالد بی گناه گرفتار و به کلانتری برده می شود. خالد بعد از آزادی، خبر بازداشت یکی از مبارزان حزبی به نام "پندار" را به شفق در کتاب فروشی مجاهد می رساند و مورد اعتماد مبارزان حزب قرار می گیرد و در جلسات مخفیانه و فعالیت های سیاسی

آن ها شرکت می کند. در یکی از این جلسه ها، خالد که آسیب دیده است، به خانه ای پناه می برد و با دختری زیبا به نام سیه چشم آشنا می شود. علی شیطان، مأمور اداره ی آگاهی که متوجه ارتباط خالد با مبارزان حزبی شده است از خالد می خواهد تا برای شناسایی آن ها به او کمک کند تا او نیز کمک کند که به عشق خود، سیه چشم، برسد؛ اما خالد هر گونه ارتباط با مبارزان را انکار می کند. خالد هنگام حمل چمدان روزنامه ها و اعلامیه ها بازداشت و پس از فراری ناموفق دست گیر می شود. شکنجه های بی رحمانه ی مأمور زندان در گرفتن اقرار از خالد بی نتیجه می ماند. خالد به سه سال محکوم می شود. خالد و پندار در زندان برای آگاهی بخشی به زندانیان، مبارزه را از سر می گیرند و زندانیان را به اعتصاب تشویق می کنند. رئیس زندان می کوشد با تطمیع، حلقه ی اصلی معترضان را بشکند؛ اما موفق نمی شود. اعتصاب زندانیان که قبل از زمان مقرر آغاز شده است، با خشونت و تهدید سرکوب می شود و ناصر ابدی کشته، پندار ربوده و خالد به زندان انفرادی منتقل و سرانجام پس از سه سال اسارت آزاد می شود. (با تلخیص از رمان همسایه ها اثر احمد محمود، ۱۳۵۴)

۷- خلاصه ی رمان داستان یک شهر

این رمان تکاملی بر رمان همسایه ها است. راوی داستان، " خالد " همان قهرمان رمان همسایه ها است که پس از حبس به عنوان سرباز تبعیدی به بندر لنگه یکی از شهرهای جنوبی ایران، فرستاده می شود. این داستان، شرح وقایع زندگانی نظامی ها و تبعیدی ها در سال های ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۶ در جنوب به ویژه بندر لنگه است. رمان، با مراسم تشییع و تدفین علی، یکی از سربازان تبعیدی و با تشریفات نظامی شروع می شود و به شیوه ی جریان سیال ذهن ادامه می یابد. خالد (راوی داستان) هم خانه و دوست علی است که اندوه زده و شاهد مراسم دفن اوست. او ناخواسته، دل بسته شریفه، زن جوان و بیچاره ای می شود که به طریقی نا معلوم سر از بندر لنگه در آورده و از سر فقر و ناگزیری، تن به فساد داده است. بندر لنگه شهری تف زده از گرمای شرحی است که تنها سرگرمی بخش عظیمی از نظامیان

شهر و ژاندارم ها و کارمندان ماهی گیران آن باده گساری و کشیدن قلیان و تریاک است و فقر از در و دیوار شهر می بارد. علی یکی از این نظامیان است که از روابط خالد با شریفه آگاه است و طی گفتگو با خالد، به دلیلی که برای خالد روشن نیست، چند بار پیشنهاد می کند که خالد با شریفه ازدواج کند، اما خالد که علت این همه اصرار را نمی داند، با وجود دل بستگی به شریفه، زیر بار این ازدواج نمی رود. دیری نمی گذرد که شریفه به وسیله علی به قتل می رسد و فردای آن روز علی هم خودکشی می کند ولی همه می پندارند که علی در مبارزه با قاجاقچیان کشته شده است. اما خالد با خواندن نامه ای که از منزل علی پیدا می کند، متوجه راز خواهر و برادری آن ها می شود و غمی بزرگ بر دلش سنگینی می کند. (با تلخیص از رمان داستان یک شهر اثر احمد محمود، ۱۳۷۱)

۸- گزاره های رئالیسم سوسیالیستی در دو اثر

۸-۱ شخصیت و شخصیت پردازی بر اساس رئالیسم سوسیالیستی

شخصیت، تیپ و قهرمان بحثی است که امروزه در داستان های معاصر به آن زیاد پرداخته می شود. به قول ویرجینیا ولف: «من معتقدم سرو کار همه رمان ها، با شخصیت است» (میرام، ۱۳۶۸: ۴۵۵). محمود، اغلب شخصیت های اصلی داستان را از اقشار سیاسی انتخاب می کند، اما شخصیت های فرعی از اقشار و طبقات مختلف جامعه انتخاب می شوند

نویسنده ی رئالیسم، فرد مشخص و غیرعادی یا عجیبی را به عنوان قهرمان داستان انتخاب نمی کند ولی شخصیت ادر طول داستان دچار دگرگونی می شوند شخصیت قهرمان نیز در طول داستان به مرور رشد و تکامل پیدا می کند.

«در قصه رئالیستی و قرار دادی امروز، شخصیت در طول زمان دچار دگرگونی می شود و طرح و توطئه از مجموع حوادث داستان و تأثیر عمده ی آن ها به وجود می آید» (براهنی؛ ۱۳۶۸: ۲۳۹).

در این دو داستان شخصیت ها به دو دسته ی شخصیت اصلی و شخصیت های فرعی تقسیم می شوند:

۸-۱-۱ شخصیت اصلی

در حقیقت مهم ترین نقش را در داستان برعهده می گیرد و در حوادث حضور فعال دارد. در هر دو رمان **همسايه ها و داستان يك شهر**، "خالد" شخصیت اصلی داستان است و حضور او از ابتدا تا انتهای داستان ها، دارای درخشش خاصی است و صحنه های داستان را با حضورش پررنگ تر کرده، قهرمان داستان ها خالد است که داستان حول محور زندگی و حوادث اطراف او می چرخد. در **همسايه ها** نویسنده، از طریق انتخاب نوجوانی کم تجربه و کنجکاو به عنوان راوی و قهرمان داستان و قرار دادن او در کنار شخصیت های فرعی متعدد که هر کدام معرف یکی از نا به سامانی های اجتماعی هستند توانسته است به خلق اثری با غنای کامل و هماهنگی میان شکل و محتوا نایل گردد. «محمود سیر تحولات روحی و جسمی قهرمان داستان "خالد" را در جغرافیایی کاملاً معقول و شایسته در انداخته است که با نفس اثر سنخیت تردید ناپذیری دارد. تقابل تلاش خالد تازه به کمال رسیده و خانواده اش که در فقر و فاقه به سر می برند، آن هم در سرزمین طلا خیز جنوب که تقابلی پر از زهرخند است» (زنوزی جلالی، ۲۹: ۱۲۸۶) زندگی خالد متأثر از ناهنجاری هایی است که اجتماع اطراف او را فرا گرفته است، طعم فقر را چشیده، شاهد پریشانی پدر بر اثر کسادی کسب و کار و مهاجرت او بوده است و در سنی کم در معرض بی قیدی و بندی و سوسه انگیز بانو و بلور خانم قرار گرفته است، به عملیات پنهان گروهی روی آورده است بی آنکه از ابتدا به درک عمیق از هدف این گونه فعالیت ها دست یافته باشد. که بعدها با گذراندن زندان و شکنجه به شناخت بیشتری از این گروه ها دست پیدا می کند. بعد از آزادی وارد دانشکده ی افسری می شود که منجر به بازداشت و زندان دوباره می شود و در نهایت پس از گذراندن ایامی چند در زندان های موقت، عاقبت بدون بازجویی و محاکمه به

بندر لنگه تبعید می شود. این "خالدها" در واقع نماینده ارزشهایی هستند که جایگاه اجتماعیشان را تقویت میکند و متضمن تداوم یک نظام طبقاتی مبتنی بر نابرابری است» (وبستر، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

«آدم هایی که نویسندگان بزرگ رئالیست آفریده اند، همین که بر صحنه ی کتاب پا می گذارند زندگی مستقلی که از دایره ی اراده ی نویسنده بیرون است، شروع می کنند. آمدن و رفتنشان، رنج ها و شادی هایشان و سخن کوتاه، سرنوشت ایشان به اراده ی نویسنده تعیین نمی شود، بلکه همه ناشی از تأثیرات متقابل ما بین خصوصیات روحی آنان و شرایط محیطی است که نویسنده ایشان را در آن جای داده است»

(پرهام، ۱۳۵۳: ۵۴). خالد داستان های ما نیز از این اصل مستثنی نیست، شخصی معمولی از یک طبقه عادی جامعه که در عین حال نماینده ی هم نوعان خویش و وابسته به اجتماعی است که در آن زندگی می کند. خالد هم چنین دارای شخصیت پویایی است. «خالد» شخصیت رمان همسایه ها، شخصی است پویا و متحول و حوادثی که برای او اتفاق می افتد به کلی شخصیت او را دگرگون می کند. این دگرگونی چنان عمیق است که در رمان، وقتی از زندان بیرون می آید، از شخصیت آغاز داستان، بازشناختنی نیست» (میرصادقی ۱۳۹۴: ۱۳۴).

۸-۱-۲ شخصیت های فرعی

شخصیت های فرعی داستان های رئالیسم سوسیالیستی هر کدام نقشی برجسته و تأثیرگذار در روند داستان دارند. طبع واقع گرای محمود در تجسم شخصیت ها نیز دخالت دارد و با دقت و وسواس خاصی به توصیف وضع ظاهری و رفتار و کردار آن ها پرداخته است. بیشتر شخصیت های فرعی از لحاظ وضع اقتصادی و فرهنگی در سطح پایین جامعه قرار دارند مردمان بدبخت و ساده و زحمت کشی که همه برای تلاش از وضع موجود در تلاش هستند. بیشتر شخصیت ها دارای انحرافات اخلاقی و اجتماعی هستند که نویسنده با

ظرافت و جانب داری خاصی برای همه انحرافات آن ها دلیل قانع کننده ای بیان می کند. آدم های همسایه ها « در دام آداب و رسوم دست و پا گیر و نیاز های اولیه ی زیستی اسیرند و راهی برای بدر شدن از این شب تاریک نمی شناسند » (یاوری، ۱۳۸۸: ۱۲۲). شخصیت های فرعی **احمد محمود** در داستان هایش به دو دسته تقسیم می شود که هر دسته را می توان به تفصیل مورد تحلیل قرار داد که در این مقال نمی گنجد ولی به طور مختصر هر کدام را بررسی می کنیم.

الف) شخصیت های زن

اگر قهرمان اول داستان را کنار بگذاریم هر کدام از شخصیت های زن داستان برای خود قهرمان دوم یا سوم حساب می شوند که نقشی محوری در روند داستان دارند. البته به غیر چند مورد از آن ها همه دارای انحرافات اخلاقی هستند. بیشتر آن ها فقیر و بی سواد هستند. در یک دسته بندی می توان گفت که محمود زنان داستان را به دو دسته تقسیم کرده است، زنانی که مادر هستند و زنانی که مادر نیستند و فرزندی ندارند. هرچند تعداد مادران داستان ها کم است ولی مادران نماد فداکاری، پاکدامنی، قناعت و ستون های خانواده هستند که با تلاش و زحمت هر کدام، کانون خانواده را برقرار نگه می دارند. اولین مادر، "گل خانم" مادر خود خالد در **همسایه ها** است. گل خانم درعین بی سواد، بسیار هوشیار می باشد و پایبند به ارزش های دینی و عقیف و پاک دامن است. "صنم" مادر کرمعلی و ابراهیم که زنی زحمت کش است، وقتی فرزندش بیمار می شود تصمیم می گیرد « کنار سایه بان الاغ های مش رحیم تنورکی بر پا کند و همین موجب حسادت شاطر رحیم می شود » (محمود، ۱۳۵۴: ۱۵۸). دسته دوم زنانی هستند که دچار انحرافات اخلاقی هستند، مانند "رضوان" همسر دوم رحیم خرکچی و "بلور خانم" در **همسایه ها** و "قدم خیر"، "شریفه"، "طلا" در **داستان یک شهر**.

ب) شخصیت های مرد

در هر دو داستان با طیف زیادی از شخصیت ها روبرو هستیم که هر کدام از آن ها به نحوی دچار فقر و بدبختی و اعتیاد هستند. مردم زحمت کش و رنج دیده ای که بدبختی و درد مندی جزء لاینفک زندگی آن ها شده است. مثل زنان، بیشتر آن ها نیز بی سواد و دچار فساد اخلاقی هستند. الکل و مواد مخدر در سراسر زندگی آن ها دیده می شود. اغلب شخصیت های هر دو داستان، در آغاز درک درستی از شرایط اجتماعی ندارند و آفات و عوارض حاکم بر جامعه را به عنوان سرنوشتی مقدر و طبیعی پذیرفته اند. هر کدام از شخصیت ها نمایانگر نماد خاصی است. در **همسایه ها**، "اوس حداد" نماد پدری زحمت کش و در عین حال در مانده از تأمین معاش خانواده است. "علی شیطان" نماد حيله گری و خصایص شیطانی است و "پندار" نماد یک توده ای آزادی خواه و مجاهد و روشن فکر است و در **داستان یک شهر** افسران، دانشجویان و زندانیان سیاسی، نماد مبارزه و شجاعت، گروهبان شهری نماد سنگدلی و وحشی گری است. «گروهبان ساقی و گروهبان شهری مثل سگ هار و مثل خرس تیر خورده به جمعیت می تازند. شلاق گروهبان شهری رو هوا می گردد» (محمود، ۱۳۷۱: ۴۸۵). **محمود** الگوی این آدم ها را در زندگی واقعی اش داشته و تک تک آن ها را می شناسد. وی می گوید: «به گمان من نویسنده باید آدم های داستان را بشناسد، گفته می شود که نویسنده، هم خالق و هم شارح زندگی آدم های داستان است، من فکر میکنم اگر نویسنده آدم های داستان را نشناسد، یک جایی لنگ خواهد کرد» (گلستان، ۱۳۷۴: ۱۲-۱۱).

۸-۲ - پی رنگ و الگوی حادثه بر اساس رئالیسم سوسیالیستی

پی رنگ، مجموعه ای سازمان یافته از وقایع است که با رابطه ی علت و معلول به هم گره می خورند.

(میرصادقی؛ ۱۳۹۴: ۸۴) پی رنگ در داستان های رئالیستی متفاوت از داستان های غیررئالیستی است و رابطه ی علت و معلولی در داستان های غیررئالیستی به صورت قطعی

وجود ندارد. اما حوادث در داستان های رئالیستی به صورت علی و معلولی به هم مرتبط شده و هر حادثه از حادثه ی پیشین خود نشأت می گیرد. درون مایه و سرشت داستان های احمد محمود بیش و کم بر بنیاد یاد مانده های کودکی نویسنده و باور داشت های دیدگانی وی از زندگانی لایه های زیرین جامعه رنگ می گیرد. به نوشته ی جمال میرصادقی داستان نویس و منتقد ادبی « نویسنده با همدردی بسیار، زندگی پر از رنج و درد فقیرانه ی مردم دردمند و محنت زده را به نمایش می گذارد و تصویرهای گوناگون از آن ها ارائه می دهد. تصویر دلهره و وحشتی که بر زندگی و جان مردم سایه انداخته و ظلم و اختناق وحشیانه که روابط انسان ها را مسموم کرده است. تصویر مردمی که از شدت استیصال، خون خود را می فروشند، دهقان هایی که زیر بار ستم ارباب هاشان خرد می شوند یا بر اثر خشکسالی، زمین هایشان را رها می کنند و به دنبال کار به شهرها می آیند و به خیل بیکارها می پیوندند ... » (قصه، داستان کوتاه، رمان؛ چاپ اول، ۱۳۶۰، صفحه ۳۱۹).

« داستان های محمود - هم چون داستان های نویسندگان خوب معاصر ما - دوره های تحول داشته است. او در آغاز، زیر تأثیر داستان های هدایت و به ویژه داستان های ناتورالیستی چوبک است. داستان هایی پر از ملال زیست و افکار شبه اگزیستالیستی و دلشوره های فردی » (دستغیب، ۱۳۷۸: ۲۰). نوشته هایش تمام نمایان گر دردها و رنج های مردم فقیر شهرها و روستاها هستند. بیشتر رمان هایش در قالب رنالیسم سوسیالیستی نوشته شده اند که در ادبیات داستان نویسی ایران بی مانند هستند. « انعکاس شمه ای از مبارزات مردمی در جریان ملی شدن صنعت نفت، مضمون فراگیر اولین رمان احمد محمود است که مضامین دیگری چون تحلیل اوضاع سیاسی و اجتماعی برهه ای از تاریخ ایران را نیز در بطن خود جای داده است » (اجاکیانس، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

احمد محمود در همسایه ها و داستان یک شهر، بسیار زیرکانه، عقب ماندگی و سرگردانی جامعه ایرانی بین سنت رو به زوال و تجدیدی برنخواسته از بطن جامعه را در

مقابل قدرت استعمار به نمایش می گذارد. او مردمی را تئصیف می کند که آن قدر در فقر فرهنگی دست و پا می زنند که استعمار به خوبی در تحمیل قدرت بر آنان، موفق بوده است. «نویسنده در نشان دادن روابط و چهره پردازی آدم ها، به پویایی درونی برگرفته از فضاها مبارزات اجتماعی نظر دارد و در نتیجه، ناکامی و ماندن در کوچه های بن بست و اسارت، از نشانه های برجسته این داستان ها می گردد. محتوای اغلب این داستان ها، نه در فضای قطعیت که در هاله ای از بودن و نبودن سیر می کند. آدم های داستان ها نه به کشف خود نایل می آیند نه به وضع موجود باور دارند. احمد محمود در این داستان ها نشان می دهد که به شرایط دجوار اجتماعی و سیاسی معترض است» (معتقدی، ۱۲: ۱۳۸۱).

در ادبیات فارسی، موضوع حبس در زندان را در قصاید و قطعات شاعرانی هم چون مسعود سعد سلمان و خاقانی می توان دید. این گونه ی ادبی با عنوان "حبسیه" از دیرباز شناخته شده بود. مضمون زندان در گذشته ادبی ایران، عمدتاً در قالب سخن منظوم و سرشار از اغراق ها و مبالغه های شاعرانه بیان می شد اما با رواج نثر داستانی و اوج گیری کشمکش های سیاسی در جامعه، ادبیات زندان جایگاه خاصی را در میان انواع ادبی پیدا کرد. در آثار نویسندگان طرفدار حزب توده، داستان هایی که به گونه ای به موضوع زندان و زندانیان مربوطند دیده می شود. از آنجا که **احمد محمود** شخصاً زندان را تجربه کرده و لذا تصویری که ارائه می دهد محصول دیده های اوست نه شنیده هایش. مخصوصاً در **داستان یک شهر** تصویرگر فضای زندان و شکنجه های آن و شکست در روحیه و رفتار زندانیان و اخورده سیاسی می باشد.

«همسایه ها» پر خواننده ترین و موفق ترین رمان احمد محمود به شیوه ی رئالیسم سوسیالیستی و به پیروی از رمانهایی نظیر "مادر" ماکسیم گورگی و "پا برهنه ها" اثر راهاریا استانکو نوشته شده است» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۲۸۱). **احمد محمود** خود نیز به اثر پذیری از این شیوه و آثار نویسندگانی مانند: تولستوی، گورگی و چرنشفسکی اذعان دارد

: « حالا که فکر می کنم شاید به دلیل جان مایه ی داستان که سوسیالیسم تخیل - بی آنکه بدانم سوسیالیسم چیست - ذهن پرشرو شور ما جوان های آن روزگار ، به دنبال مدینه ی فاضله بود ، به دنبال عدالت اجتماعی » (محمود ، ۱۳۸۳ : ۵۲-۵۱) . مقاومت و مبارزه برای ایجاد مدینه ی فاضله ، جامعه عادلانه و زندگی مطلوب تر ، مانند اغلب رمان های رتالیسم سوسیالیستی ، محوری ترین موضوع **همسایه ها** را تشکیل می دهد .

در **همسایه ها** از یک سو تصویر جنبش کارگری و مردمی به نمایش در می آید . در جریان ملی شدن صنعت نفت ، رانندگان نفت کش ، کامیون داران ، کارگران تلمبه خانه و تصفیه خانه دست به اعتصاب می زنند ، کار را تعطیل می کنند و برای رفع تبعیض ، خواهان ملی شدن صنعت نفت می شوند ؛ همه ی مردم شهر نیز در این جشن با آن ها هم گام می شوند :

« باز در قهوه خانه باز می شود . چند تا از کارگران تلمبه خانه ی شماره سه هستند که دسته جمعی می آیند تو ، یقین مثل همیشه از سر کار قاچاق شده اند . رو سینه همه شان نوار هست . حالا ، همه ی مردم شهر ، رو سینه هاشان نوار دوخته اند . یعنی از هر ده نفر ، دست کم هشت نفری » (محمود ، ۱۳۷۱:۱۳۲) . اما از سوی دیگر ، **همسایه ها** بیشتر تلاش می کند مبارزه ی طبقاتی را در قالب تحول نوجوانی به نام "خالد" نشان دهد که کم کم در ارتباط با مبارزان حزب ، به خود آگاهی می رسد و خود به مبارزی آهنین ، پیش رو و مقاوم طراز نو حزب تبدیل می شود . خالد در خانه ی استیجاری همسایه ها با طعم تلخ فقر آشنا می شود . بحث و جدل های محمد ، کارگر مکانیکی ، با پدر خالد و امان آقا آمادگی لازم را برای ورود خالد به ساحت اجتماعی فراهم می آورد ، بر افکار او اثر می گذارد ، ذهنیتش را دگرگون می کند و چشم او را برای دیدن واقعیت های اجتماعی باز می کند ؛ به طوری که پس از بحث های محمد مکانیک است که خالد دست های زمخت و پینه بسته ی پدر را می

ببند: «پدرم دارد سیگار می پیچد. چه دست های بزرگی دارد. انگار اولین دفعه است که می بینم دست های پدرم این قدر بزرگ و خشن و پینه دار است» (همان، ۴۹).

حادثه ی بازداشت خالد در کلانتری، او را به مبارزان حزب پیوند می زند و عزمش را برای مبارزه جزم می کند. سران حزب به تدریج به خالد اعتماد می کنند و او با مطالعه ی کتاب هایی که در میان مبارزان دست به دست می گردد، مبارزه ی سیاسی را به طور نظری می آموزد و دز جلسات خصوصی حزب شرکت می کند. در فضای کوچک گروه، دوستانی تازه می یابد، حرف هایی تازه می شنود، امکان عادلانه زیستن و مبارزه و فعالیت سیاسی را تمرین می کند، چشمش به دنیایی تازه باز می شود و دانسته های مبارزاتی خود را برای ایجاد خود آگاهی در میان کارگران، توده ها و طبقات فرودست به کار می گیرد: «صبح جمعه، دستمال بسته ی نهارم را برمی دارم و راه می افتم، گاهی صد و پنجاه نفر هم بیشتر هستیم [...] به حرف ها گوش می دهم [...] از حرف ها خوشم می آید. مثل این است که سال های سال، این حرفا تو دلم تل انبار شده و نتوانسته ام بریزمشان بیرون. سبک می شوم. ظهر که می شود دور هم دیگر می نشینیم. غذاها را رو هم می ریزیم. بعد، قسمت می کنیم، می بینم، همراه یک لقمه از نیمرویی که برده ام ده جور غذا نصیب می شود. از هر کدام یک لقمه [...] بعد بعضی از بچه هایی که از ما بزرگ ترند [...] راه می افتند تو دهات مجاور، تو مزارع و تو باغستان ها و بنا می کنند با روستاییان حرف زدن. به حرفشان گوش می دهم. از زمین حرف می زنند که روستایی باید به نفع ارباب رویش جان بکند. از سهم زارع حرف می زنند که سالانه به قدر بخور نمیری هم نیست. از بچه های دهاتی حرف می زنند که مدرسه ندارند. از بهداشت و دوا و درمان و تقسیم املاک حرف می زنند. غروب که می شود دسته جمعی راه می افتم به طرف شهر» (همان، ۱۷۸-۱۷۷).

به این ترتیب، خالد دوران خامی و بی تجربگی را پشت سر می گذارد و به مبارزی سرسخت بدل می شود که در جلسات محرمانه حزب شرکت دارد. در فصل های پایانی

(چهارم تا ششم) **همسايه ها** فعاليت های سياسی و مبارزاتی خالد و پندار در زندان و ايجاد خودآگاهی در زندانیان بيان می شود. خالد هنگام حمل چمدان روزنامه، اعلاميه و بروشور دست گیر و پس از فراری ناموفق بازداشت می شود. خالد در زندان با کمک پندار که بعد از مدتی به او ملحق می شود، زندانیان را به اعتصاب ترغیب می کند. پندار نامه ای برای رئيس زندان و دادستانی می نويسد و از کیفیت نامطلوب غذا، و کهنگی و آلودگی منبع آب آشاميدنی شکایت می کند و هشدار می دهد در صورت بی اعتنایی به درخواست آن ها، به اعتصاب غذا دست می زنند. زندانیان اعتصاب می کنند و پندار، خالد و ناصر ابدی می کوشند انگيزه ی اعتصاب را در میان زندانیان تقویت کنند: « حالا همه، کاسه ها را برداشته اند و دارند از راهرو می زنند بیرون. راه می افتم و کاسه ها را از صندوق بیرون می آورم. حالا، صدای کاسه ها، هماهنگ شده است "[...] ددق، دق، دق - ددق، دق، دق - دق [...]]" آفتاب تند به سرمان می تابد. تمام تن مان خيس عرق شده است. کشیک بام، از برج نگهبانی بیرون زده است و با چشم های از حدقه درآمده نگاه مان می کند. صدای برخورد کاسه ها وحشت انگيز است. يقين دارم که تمام شهر را پر کرده است. [...] نگاه مان به رئيس زندان است که می بینم يکهو، پاسبان های مسلح به تفنگ، هجوم می آورند و پشت حلقه های سيم خاردار لب بام پا به پا می شوند. پاسبان ها وحشت زده اند. رئيس زندان حلقوم خودش را پاره کرده است اما صدایش را نمی شنويم »

(همان، ۴۹۱-۴۹۰).

در **داستان يك شهر** داستان در سه لايه ی متداخل پيش می رود و به نهايت می رسد. لايه ی نخستين - که، از همان ابتدای رمان، نمودار نقطه ی پس از اوج، يعنی مراسم تدفين علی است و در صفحات پایانی عيان ساز راز سر به مهر او - تنها بخش کوچکی از اثر را در بر می گیرد. در عوض، لايه ی دوم، شامل شرح زندگی خالد در تبعيد گاه به صورت رجعت به گذشته ای طولانی که قسمت اعظم رمان را اشغال می کند. در اين میان،

لایه ی سوم داستان _ که گزارش جریان دستگیری خالد و جزئیات دوران حبس و شرح مقاومت افسران در برابر شکنجه و در نهایت اعدام گروهی آنان را در بر دارد _ به صورت بازگشت های مکرر به گذشته و در تداخل با لایه ی دوم عرضه می شود تا آنکه طی فصل هفتم تا نهم کاملاً بر لایه ی دوم چیره می گردد و به شکل فصل های مستقل و طولانی و سرشار از توصیفات عینی و بصری جلوه گر می گردد .

نویسنده ، برای انتقال فضای زمانی و مکانی در هر سه لایه ، تلاش مداوم و خستگی ناپذیری خرج کرده است . اوضاع جوّی و جغرافیایی بندر لنگه ، که بر ساکنان آن ، اعم از بومیان و مأموران ، رخوت و سستی پایان ناپذیری تحمیل می کند و آن ها را ، برای بیرون آمدن از این حال ، به مصرف الکل و تریاک در پاتوق های انگشت شمار بندر سوق می دهد با ذکر کمترین جزئیات وصف می شود . نویسنده ، در تشریح این فضای کسالت بار که در مورد خالد به دلیل تبعیدی بودنش نمود بیشتری می یابد ، بسیار موفق است ؛ حتی می توان گفت که وی در این باب راه گزاف و مبالغه پیموده و بخش های طولانی از اثر خود را به شرح عرق خوری ها و تأثیرات تریاک اختصاص داده است . همین وسواس و باریک بینی در توصیف طبیعت و دگرگونی های آن نیز مشهود است . اساساً شیفتگی نویسنده به طبیعت و نمودهای گوناگونش از همان آثار اولیه او به خوبی مشهود است و این گرایش گاه چنان شدت می یابد که طبیعت را هم چون یکی از شخصیت ها در آثار او نمایان می سازد .

احمد محمود ، به سان نقاشی طبیعت گرا ، سعی در خلق مجدد طبیعت دارد و به این منظور کوچک ترین نقش ها و جزئی ترین تحولات و آثار را از نظر دور نمی اندازد و آن ها را به عینه در قالب کلمات به خواننده منتقل می سازد . این طبع واقع گرا و تیزبین در تجسم شخصیت ها نیز دخالت دارد . نویسنده ، در توصیف شخصیت های اصلی و فرعی تمایزی قایل نیست و به شرح جزئیات هیئت ظاهری و رفتار و کردار و طرز تکلم افراد این هر دو دسته می پردازد . از این رو ، بندر لنگه و ساکنانش همچون صحنه هایی واقعی و زنده در

ذهن خواننده تجسم می یابند و او را به عمق داستان می کشانند. در لایه سوم داستان نیز، توصیف وضع زندان ها و زندانیان و جزئیات شکنجه و رفتار ددمنشانه شکنجه گران قرین همان دقت وضوح و برجستگی است. گویا نویسنده رسالت خود می داند از مقاومت زندانیانی سخن گوید که هرگونه شکنجه و فشار جسمانی و روحی را تحمل کرده و تا حد اعدام پیش رفته اند. وی، بدین منظور، فصل های جداگانه ای را به این ماجراها اختصاص می دهد. اما این ششپنجاهگانه همچنان تحت الشعاع واقع گرایی نویسنده قرار می گیرد و نویسنده، در مقابل، خیانت و آدم فروشی "بیدار"، هم گروه خالد در آغاز فعالیت های سیاسی او (رمان **همسایه ها**)، تسلیم شدن احسان را، که پس از یک ماه تحمل شکنجه عاقبت محل چاپخانه ی حزب رالو می دهد، ناگفته نمی گذارد و تأثیر چنین وقایعی را بر روح و روان خالد نشان می دهد.

۸-۳- زمان و مکان بر اساس رنالیسم سوسیالیستی

شخصیت ها بدون موقعیت زمانی_مکانی در خلاء زندگی می کنند؛ در نتیجه خوانندگان نمی توانند آن ها را دریابند. زمان و مکان در داستان های غیررنالیستی ویژگی هایی دارد؛ گاهی در این داستان ها، زمان در داستان گم شده و مرز میان زمان ها وجود ندارد. بازگشت ناگهانی به گذشته، تغییر مداوم روایت بین حال و گذشته و آینده، در آن ها دیده می شود. از نظر مکان نیز داستان های غیررنالیستی در یک مکان خاص واقع نمی شود. گاهی مکان داستان می تواند بسیار مبهم یا بسیار غیرواقعی ارائه شود، بدون آنکه نویسنده به توصیف جزئیات آن پردازد. اما در زمان رنالیستی باید به دو موضوع اشاره کرد: ۱. برجسته شدن زمان با ذکر تاریخ وقوع حادثه؛ ۲. پیروی از الگوی تقویمی زمان (پاینده، ۱۳۸۹: ۶۴-۶۲)

۸-۳-۱- زمان

زمان زمان **همسایه ها** مربوط به کودتای مرداد سال ۳۲ در جنوب ایران است. وجود بیگانگان و مأموران امنیتی، فضای کشور را رعب آور کرده و کسی اجازه نفس کشیدن

نداشت. زندانی شدن کودتائیان و تعدادی از سیاسیون آن زمان، این صحنه را بدتر نموده است و نویسنده در چنین فضایی بوده و طعم زندان را چشیده و شکنجه و ترس را به خوبی لمس کرده و به همین جهت به طور مستقیم و غیر مستقیم به فضای داستان کاملاً تسلط داشته است. رمان در سال ۱۳۲۳، با دوازده سالگی خالد که غرق در عوالم بچگی و شیطنت های خاص سنش است، شروع می شود و با بیست سالگی وی در ۱۳۳۰، اوج مبارزات برای ملی کردن نفت و از آن طرف پایان زندان خالد و مشمول خدمت شدنش، به پایان می رسد.

در رمان **داستان یک شهر**، زمان به نوعی ادامه داستان رمان **همسایه ها** هست که البته بدون هیچ اشاره ای به آن، ادامه پیدا می کند. داستان پس از کودتای ۲۸ مرداد، یعنی همان زمانی که رمان **همسایه ها** به پایان می رسد، آغاز می شود و دوره وقوع کودتا تا پاکسازی ارتش شاهنشاهی از افسران حزب توده را به تصویر می کشد. هرچند این نیت در بخشی از رمان به طور کامل فراموش می شود و نویسنده به ناگاه به شرح کامل آخرین روزهای تعدادی از افسران ارشد حزب توده که پس از کودتای ۲۸ مرداد بازداشت و اعدام شدند می پردازد. خالد، همان شخصیت اول رمان **همسایه ها** که در اواخر آن رمان به زندان افتاده بود در **داستان یک شهر** تبعید شده است و داستان **همسایه ها** در این رمان در فضای تبعید ادامه می یابد.

۸-۳-۱- مکان

در **داستان یک شهر** و **همسایه ها** شهر، پس زمینه داستان ها محسوب می شود و فقط کارکرد مکانی دارد و زمینه خلق حوادث است. مکان هر دو رمان متعلق به جنوب است. «مناطق جنوب ایران، حوزه همسازی ناهمسازها است. در یک سو دریایی که انتهای آن را با حس بصری نمی توان تعیین کرد و در سویی دیگر وجود صحراهایی سوزان و بی آب و علف با مردمانی که به رغم قرار گرفتن در گلوگاه رفت و آمدهای جهانی، برخورد با ملیت ها و فرهنگ های گوناگون بشری و برخورداری از ثروت عظیم ملی از نظر فرهنگی

و معیشتی، همچنان در حال بدویّت باقی مانده اند» (شیری، ۴۶: ۱۳۸۶) در رمان همسایه ها، مکان حوادث شهری است در کنار کارون، اما جزئیات این شهر گاهی نامعلوم است. در این رمان، نویسنده، جامعه شهر اهواز را برای خواننده به تصویر می کشد، البته گاهی به مناطق دیگر مثل کشور کویت هم گریز می زند و از نوکری ایرانیان برای عرب ها و تسلط انگلیسی ها بر آن ها حرف می زند، اما مکان اصلی داستان، شهر اهواز است؛ دلیل آن هم اشراف محمود به این شهر، مردمانش و فرهنگ بومی آن جاست. در این جامعه فاصله طبقاتی شدیدی بین دو طبقه ی پول دار و فقیر وجود دارد. خانه مسکونی که غالب شخصیت ها در آن زندگی می کنند، قهوه خانه ها، میدان مجسمه، میدان زندان، کتابفروشی مجاهد، بازار و کنار شط، زندگی شهری را در این رمان ترسیم می نماید، اما رفتار و زندگی و معاشرت شخصیت ها غالباً روستایی است. شهر در رمان **همسایه ها** نقشی پررنگ ندارد، با وجود مکان های شهری موجود ولی شغل های بیشتر شخصیت های داستان روستای و مناسباتشان بر معیارهای روستایی تکیه دارد، مانند آهنگر، قهوه چی، کارگر کوزه پزی و عملگی بیشتر شخصیت ها هم از طبقات پایین جامعه هستند و مهاجرانی هستند که فاقد مهارت خاصی هستند و به کارهایی مشغولند که نیاز به تخصص ندارد و به سبب کساد بازار مجبور هستند تن به مهاجرت دهند.

ساختار رمان و اندیشه های خالد، همواره در جهت نشان دادن تفاوت های طبقاتی است. در جامعه ای که خالد توصیف می کند، وضعیت خیابان های بالاشهر خوب است. آسفالت و سنگ فرش شده، قهوه خانه ی شیک و باکلاس دارد، آدم های آنجا درس خوانده اند و سمت های شغلی اداری دارند، «اتاق گرم است، بزرگ است و دل باز، با رنگ هایی که آرامش می بخشد. رنگ پرده ها و رنگ دیوارها و رنگ فرش ها، دلهره را از آدم می گیرد. مبل، خیلی نرم و راحت است» (همسایه ها، ۱۳۵۴: ۱۸۲). اما در پایین شهر، خیابان از جایی به بعد دیگر آسفالت نیست و خاک و گل و لای است. بیشتر بچه ها

درس نمی خوانند و در پی کارهای خلاف و یا دنباله رو کار پدرشان می شوند. پدرانشان هم کارگر و خرکچی و قاچاق فروش و معتادند. « دختر می گوید: ... آدرس خونتون را بدین، خجالت می کشم. خانه ی دنگال، دیواره های گلی، تنور صنم، الاغ های رحیم خرکچی، گاری عمو بندر، چارچرخه ی کرم، در شکسته و بست خورده، اتاق های خفه و تو سری خورده و سرتاسر کف حیاط - از باران چند روز قبل - گل و لای تا گوزک پا. باز، دروغ می گویم: من مسافرم ... » (همان، ۱۸۳).

داستان یک شهر در بندر لنگه اتفاق می افتد که خالد پس از گذراندن ایامی چند در زندان های موقت، عاقبت بدون بازجویی و محاکمه به بندر لنگه تبعید می شود. « دریا در داستان جنوبی جایی همیگی دارد، گاه فقط برای کامل شدن تصویر بومی به کار گرفته می شود ... در این حالت، دریا همراه با شط و شرعی و نخل و آفتاب داغ، یکی از کلیشه هایی می شود که داستان نویس جنوبی برای ساختن فضا را آن استفاده می کند» (میرعابدینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۷۵). نویسنده توانسته با قدرت انتقال فوق العاده ای، مکان های این رمان را در سه لایه ی زمانی اتفاق افتاده به تصویر بکشد. اوضاع جوی و جغرافیایی بندر لنگه با ذکر کمترین جزئیات وصف می شوند. **احمد محمود** توانایی زیادی در توصیف بصری و تجسم مکان ها را دارد. مانند توصیف دقیق مکان های مربوط به زندان و بازداشتگاه ها را. هر دو رمان که خواننده می تواند بوسیله آن کاملا گوشه و زوایای زندان را مانند فیلمی درمقابل چشمان خود ببیند. در رمان های وی هیچ جایی نیست که نویسنده از عنصر فضا و جغرافیا و زبان، جهت ایجاد و خلق لحن مناسب سود نجسته باشد.

« نویسنده در توصیف اقلیم و جغرافیا و محیط و فضا با قدرت عمل می کند. او با تصویر این جغرافیا و محیز و فضا می کوشد که آرزوهای شخصیت ها و مردم را بیان کند، یعنی او برشی از زندگی با کشش و خون و ضربان، همه لحظه هایش را برای ما روایت می کند و نبض همه لحظات را در دست دارد » (سپانلو، ۱۹۳: ۱۳۸۱). صحنه پردازی های رمان

های او، شکل گرفته از همان زمینه و محیط پیرامونی است که شخصیت های رمان های او در آن زندگی میکنند و این زمینه و جغرافیا با آن لحن هماهنگی یافته است.

نتیجه

رنالیسم سوسیالیستی به منظور بسط آموزه های مارکسیسم و گسترش سوسیالیسم تدوین شد و مردم گرایی^۱، سنخ گرایی^{۱۱}، مسلک گرایی^{۱۲} و حزب گرایی^{۱۳} از شاخص ترین اصول رنالیسم سوسیالیستی هستند. رنالیسم سوسیالیستی در اوج اقتدار حزب توده در سال های ۱۳۲۴-۱۳۲۵ در ایران مطرح شد و کم کم رواج یافت و یکی از اثر گذارترین شیوه های نویسندگی در ایران شد. رمان های رنالیسم سوسیالیستی ایران نیز در بستر شرایط اجتماعی، از چارچوب کلی الگوی تکاملی مارکس پیروی می کنند. ایجاد حس امیدواری و وعده به آینده ای روشن و عاری از بی عدالتی و بی نظمی وجوه مشترکی است که همه ی رمان های رنالیسم سوسیالیستی ایران را به هم پیوند می زند. در این داستان ها شخصیت ها در مقابله با نظام حاکم، سرکوب و اغلب زندانی یا تبعید می شوند؛ اما حرکت انقلابی مبارزه و مقاومت آن ها زمینه آگاهی طبقاتی را در جامعه فراهم می آورد و فضای امید بخشی را در رمان حاکم می کند. **احمد محمود** به عنوان نماینده ی رنالیسم سوسیالیستی در ادبیات ایران شناخته شده است. همسایه ها و داستان یک شهر نیز به شیوه ی رنالیسم سوسیالیستی نوشته شده است. مقاومت و مبارزه برای ایجاد مدینه ی فاضله، جامعه ی عادلانه و زندگی مطلوب تر، مانند اغلب رمان های رنالیسم سوسیالیستی، محوری ترین موضوع این دو رمان را تشکیل می دهد.

آنچه در کنار مشاهده ی تأثیر اجتماع، به این اثر رنگ و بوی رنالیسم سوسیالیستی می دهد، برجسته سازی مؤلفه هایی معنایی مانند مردم گرایی و انسان مداری و توجه به سادگی در زندگی، اشاره به سرگذشت های بی شمار در شخصیت های داستان، تصویر شخصیت های مبارز در جهت رفاه انسان ها و رفع تضادها، بی عدالتی ها و آشفتگی های جامعه،

ترسیم نظام اقتصادی موجود در جامعه و اوضاع کارگران، ارتباط متقابل فرد و اجتماع، معرفی جریان های مؤثر در جامعه، تعامل اجتماع، تاریخ و سیاست، محکوم کردن فقر و نظام حاکم و نمود فاصله های طبقاتی است که هم زمان با توصیف ابعاد اجتماعی از کلام او دریافت می شود.

پی نوشت ها

۱-Realisme

۲- «رمانتیسم فرانسه تحت تاثیر رمانتیسم انگلستان و آلمان بوجود آمد، یعنی برای نخستین بار شاتوبریان Chateaubriand آثار شاعران انگلیسی و مادام دواستال آثار شعرای آلمانی را به فرانسه ترجمه کرد» (سید حسینی، ۱۳۸۷: ۱۷۷).

۳- Social Realism

۴- Idealisme پندار گرایی، آرمان گرایی، این مکتب فکری بر این باور است که واقعیت تنها با عنوان وجود روحی محض وجود دارد و جسم چیزی جز کل تظاهر این وجود نیست. ایده ایست ها همه موجودات و آنچه را که انسان در جهان درک می کند، نه عینی بلکه تصوّرات ذهنی و وابسته به ذهن انسان می دانند و معتقدند که اگر من که همه چیز را ادراک می کنم نباشم، دیگر نمی توان گفت که چیزی هست. مکتب های ایده ایستی به طور کلی بر دو نوع عمده بوده اند: ایده ایسم عینی و ایده ایسم ذهنی.

۵- ژول شانفلوری (زاده ۱۷ سپتامبر ۱۸۲۱ - در گذشته ۶ دسامبر ۱۸۸۹) نویسنده ی قرن نوزدهم اهل فرانسه است.

۶- هانری موروزّه (۱۸۲۲- ۱۸۶۱) نویسنده ی قرن نوزدهم اهل فرانسه است.

۷- «رنالیسم انتقادی (Realisme Critique) را برای نخستین بار گئورک لوکاکس Georg Lukacs تئوریسین و منتقد معروف مجار برای قلمرو وسیعتری از ادبیات پیشنهاد کرد. منظور او از مفهوم "رنالیسم انتقادی"، تحلیل های آثار رمان نویسان رنالیست قرن نوزدهم (به ویژه بالزاک و زولا) بود و ارجاع جمال شناختی و ایدئولوژیک به آثار ادبی کشورهای سوسیالیستی که به گفته او، از نمایش واقعیت موجود، برای تحلیل وضع یک گروه اجتماعی و قدرت ها و امکانات آن در آینده سود می جستند» (سید حسینی، ۱۳۸۷: ۳۰۲).

۸- «بزرگ علوی (۱۳۷۵-۱۲۸۳) یکی از اعضای گروه معروف به "اربعه" بود که در خانواده ای تجارت پیشه به دنیا آمد. آشنایی وسیع وی با ادبیات دیگر ملل و آگاهی و تسلط او بر چند زبان اروپایی به وی امکان داد از دستاوردهای ادبی دیگر ملت‌ها به خوبی بهره گیرد. داستانهای کوتاه علوی وی را در مسیر نویسندگی به شیوه رمانتیسیم اجتماعی تا حد زیادی موقّ معرّفی میکند. مضمون اغلب داستانهای علوی از آرمانهای سیاسی و حزبی او الهام میگیرد. قهرمانان او بیشتر انسانهای ناکامی هستند که دور از وطن در غربت و آوارگی به سر میبرند. رمان چشمهایش (۱۳۳۱) و سه مجموعه داستان کوتاه او؛ یعنی چمدا ن (۱۳۱۳)، زندان (۱۳۲۰) و نامه‌ها (۱۳۳۰) از مهمترین آثار وی به شمار میروند» (یا حقی، ۱۳۸۸: ۲۴۳).

۹- «به آذین از نویسندگانی است که هم زمان با بزرگ علوی به مقابله با سنت های پوسیده رمان نویسی اولیه برخاست و در راه آفریدن رمان واقعی کوشید. رمانی که او نوشت، دختر رعیت (۱۳۳۱)، افق گسترده ای از زندگی را در نظر خواننده گان ادبیات فارسی قرار داد» (میر عابدینی، ۱۳۶۸: ۷۵)

۱۰. narodnost

۱۱. tipchnost

۱۲. ideinost

۱۳. partiinost

منابع

- ۱- آبراهامیان، پرواند، (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، چاپ یازدهم، احمد گل محمدی، ترجمه محمد ابراهیم فتحی ولیلایی، تهران: نشر نی.
- ۲- آلوت، میریام، (۱۳۶۸)، *رمان به روایت رمان نویسان*، چاپ دوم، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران: نشر مرکز.
- ۳- اکاجانس، آناهید، (۱۳۸۶)، *نقد مجموعه آثار داستانی اسماعیل فصیح و چند داستان از احمد محمود، زویا پیرزاد و ...*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۴- براهنی، رضا، (۱۳۶۸)، *قصه نویسی*، چاپ چهارم، تهران: البرز.
- ۵- پاینده، حسین، (۱۳۸۸)، *داستان کوتاه در ایران* (داستان های رئالیستی و ناتورالیستی). جلد ۱، تهران: نیلوفر.
- ۶- پرهام، سیروس، (۱۳۵۳)، *رنالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات*، چاپ پنجم، تهران: نشر نیل.
- ۷- پیک، جان، (۱۳۸۰)، *شیوه ی تحلیل رمان*، ترجمه احمد صدرانی، تهران: نشر مرکز.

- ۸- ثروت ، منصور ، (۱۳۸۵)، **آشنایی با مکتب های ادبی** ، چاپ اول ، تهران : سخن .
- ۹- دستغیب ، عبدالعلی ، (۱۳۷۸) ، **نقد آثار احمد محمود** ، تهران : معین .
- ۱۰- زافا ، میشل ، (۱۳۸۶) ، **جامعه شناسی ادبیات داستانی** ، ترجمه نسرين پروینی، تهران : نشر سخن .
- ۱۱- رنه ولک ، اوستن وارن ، (۱۳۷۳) ، **نظریه ادبیات** ، چاپ اول ، ترجمه : ضیاء موحد ، پرویز مهاجر ، تهران: انتشارات علمی فرهنگی .
- ۱۲- زنوزی جلالی ، فیروز ، (۱۳۸۶) ، **باران بر زمین سوخته** ، چاپ اول ، تهران ، نشر تندیس .
- ۱۳- ساچکوف ، بوریس ، (۱۳۶۲) ، **تاریخ رئالیسم** ، چاپ اول ، ترجمه ی محمدتقی فرامرزی ، تهران : نشر تندیر .
- ۱۴- سپانلو ، محمد علی ، (۱۳۸۱) ، **باز آفرینی واقعیت** ، جلد اول ، تهران : نشر نگاه .
- ۱۵- سلدون راما ، ویدوسون پیتیر ، (۱۳۷۷) ، **راهنمای نظریه ادبی معاصر** ، چاپ دوم ، مترجم عباس مخبر، تهران : طرح نو
- ۱۶- سیاح ، فاطمه ، (۱۳۸۳) ، **نقد و سیاحت** (بررسی ادبیات ایران و اروپا و مجموعه آثار) ، به کوشش محمد گلبن ، تهران : نشر قطره .
- ۱۷- سیدحسینی ، رضا ، (۱۳۸۴) ، **مکتب های ادبی** ، چاپ سیزدهم ، تهران : نشر نگاه .
- ۱۸- شریفی ، محمد ، (۱۳۸۷) ، **فرهنگ ادبیات معاصر** ، ویراستار محمد رضا جعفری ، تهران : نشر نو .
- ۱۹- شیرى ، قهرمان ، (۱۳۸۶) **مکتب های داستان نویسی در ایران** ، تهران : نشر چشمه .
- ۲۰- گرانت ، دیمیان ، (۱۳۷۹) ، **رئالیسم** (واقع گرایی)، چاپ سوم ، ترجمه حسن افشار، تهران : نشر مرکز .
- ۲۱- گلستان ، لیلی ، (۱۳۷۴) ، **حکایت حال** ، چاپ اول ، تهران : کتاب مهناز .
- ۲۲- گلشیری ، هوشنگ ، (۱۳۸۰) ، **باغ در باغ** ، ج ۱ ، تهران : جامی .
- ۲۳- لوکاج ، گئورک ، (۱۳۷۳) ، **پژوهشی در رئالیسم اروپایی** ، چاپ اول ، ترجمه اکبر افسری ، تهران .
- ۲۴- محمود ، سارک و بابک ، (۱۳۸۴) ، **دیدار با احمد محمود** ، چاپ اول ، تهران : معین .
- ۲۵- محمود ، احمد ، (۱۳۵۴) ، **همسایه ها** ، تهران : امیر کبیر .
- ۲۶- _____ ، (۱۳۷۱) ، **داستان یک شهر** ، تهران : معین .
- ۲۷- مخبر، عباس ، (۱۳۷۷) ، « نقد ادبی در ایران، از مشروطیت تا امروز » ، نگاه نو ، شماره ۳۷ ، صص ۱۰۵-۱۳۸ .

- ۲۸- معتقدی، محمود، (۱۳۸۱)، « احمد محمود، بازمانده روزگار جنوب»، نافته، سال سوم، شماره اول، صفحه ۱۲.
- ۲۹- مير عابدينی، حسن، (۱۳۶۸)، *صد سال داستان نويسي در ايران*، جلد دوم، تهران: نشر تندر
- ۳۰- ميرصادقي، جمال، (۱۳۹۴)، *عناصر داستان*، چاپ نهم، تهران: نشر سخن.
- ۳۱- ويستر، راجر، (۱۳۸۲)، *پيش درآمدي بر مطالعه نظريه ادبي*، چاپ اول، ترجمه الهه دهنوی، ويراستار حسين پاينده، تهران: روزنگار.
- ۳۲- ياحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، *جويبار لحظه ها: جريانه های ادبي معاصر*، چاپ يازدهم، تهران: تامی.
- ۳۳- ياوری، حورا، (۱۳۸۸)، *داستان فارسي و سرگذشت مدرنيته در ايران*، چاپ اول، تهران: نشر سخن.